

دور أمراء البلاد الملتزمين فى ترقية الحكومة الإسلامية

إعتمادا على الخطبة ٥٣ فى نهج البلاغة

الملخص

يُعتبر أمراء البلاد أحد أركان الحكومة الإسلامية إذ أنّ التزامهم يضمن سعادتها كما أنّ عدم إلتزامهم يُؤدّى إلى شقائها. بما أنّ الكثير من البحوث قامت بدراسة الموضوع من جهة الحقوقية و لم تبحث دور التزامهم فى ترقية الحكومة الإسلامية تقوم هذه المقالة بدراسته من وجهة نظر الإمام على عليه السلام بالمنهج الوصفى - التحليلى و مراجعه الكتب من أهم المؤشرات التى يُعدها الإمام فى هذا الخصوص هى: توسيع العدالة الإجتماعية، الإنتظام فى الأمور، إصلاح شؤون الناس، ارتفاع النقائص التنفيذية، الحضور بين الناس و طاعة القائد.

الكلمات الدليلية: الالتزام، امراء البلاد، الحكومه الاسلاميه، نهج البلاغه

نقش کارگزاران متعهد در اعتلای حکومت اسلامی با تکیه بر

نامه ۵۳ نهج البلاغه

افسانه ترکاشوند؛^۱ سیده نرگس سقایی^۲

چکیده

کارگزاران یکی از ارکان حکومت اسلامی بشمار می‌روند که تعهد یا عدم تعهد آنان می‌تواند ضامن سعادت و شقاوت حکومت اسلامی باشد. از آنجایی که بیشتر پژوهش‌های انجام شده در مورد تعهد کارگزاران جنبه حقوقی داشته و به نقش تعهد کارگزاران در اعتلا و پیشرفت حکومت اسلامی نپرداخته، نوشتار حاضر به شکل توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این مهم از دیدگاه حضرت علی (ع) با تأکید بر نامه ۵۳ نهج البلاغه پرداخته است. بسط و گسترش عدالت اجتماعی، نظم در امور، اصلاح امور مردم و رفع نقایص اجرایی، حضور در میان مردم و اطاعت از رهبر، از جمله مؤلفه‌هایی است که حضرت (ع) در این خصوص برشمرده و در این نوشتار مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژگان: تعهد، کارگزاران، حکومت اسلامی، نهج البلاغه

^۱. مدرس حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول)؛ torkashvand918@gmail.com

^۲. دانش آموخته سطح دو حوزه علمیه کوثر توپسرکان؛ saghainarges@gmail.com

مقدمه

از مهمترین عواملی که می‌تواند در کارآمدی یا ناکارآمدی حکومت اسلامی تأثیرگذار باشد، وجود کارگزاران است. از این رو بکارگیری کارگزاران متعهد و متخصص در عملکرد حکومت اسلامی امری بسیار حائز اهمیت است. نوشتار حاضر با توجه به این مهم، در پی پاسخگویی به این سؤال اصلی است که نقش کارگزاران متعهد در اعتلای حکومت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع) و با تکیه بر نامه ۵۳ نهج البلاغه چیست؟ در این خصوص مؤلفه‌هایی همچون عدالت‌گستری، نظم در امور، اصلاح امور مردم و اطاعت از رهبر به عنوان شاخص‌های عملکردی کارگزاران متعهد برشمرده شده که با محوریت نامه ۵۳ مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

مفهوم شناسی

۱. حکومت

راغب «حکومت» را به معنای «منع و بازداشتن برای اصلاح» بیان می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۴۸). ابن منظور نیز حکومت را به معنای «جلوگیری شخص از ظلم و ستم» می‌داند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴۱). در زبان فارسی نیز حکومت به معنای «قضاوت کردن»، «داوری کردن»، «سلطنت کردن»، «فرمان دادن»، «سلطنت»، «پادشاهی» است (علی بابایی، ۱۳۸۵: ۱/۲) و در اصطلاح به معنای «کوششی، برای تحت قاعده مشخص درآوردن یک سیستم سیاسی» است (قلمداران، ۱۳۸۵: ۶). در تعریف اصطلاحی حکومت

گفته می‌شود: «حکومت برای تأمین روابط اجتماعی و حفظ نظام جامعه به وجود می‌آید» (علی بابایی، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۴۵).

۲. تعهد

«تعهد» از ریشه «عهد» به معنای «پیمان»، «وصیت» و «به عهده گرفتن امری» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۱/ ۴۴۸؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۱۰۲؛ طریحی، ۱۴۱۴ق: ۱۱۲). برخی از لغت‌شناسان عرب مانند ابن فارس و راغب معتقدند تعهد دارای یک معنای واحد است که عبارت است از: «حفظ و نگهداری از چیزی و مراقبت از آن در همه احوال» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۹۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱۶۷). مفسرین قرآن «تعهد» را با واژه‌ها مختلفی چون «میثاق» (رازی، ۱۳۷۱: ۱۸۳)، التزام به چیزی و عقد قلبی بر آن (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۶۵۱)، التزام خاص در برابر خداوند یا شخص برای انجام امری مخصوص (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۵۴۵). در زبان فارسی نیز تعهد به-معنای «کاری را عهده گرفتن، عهد و پیمان بستن» (معین، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۱۰۵) و «خود را مدیون و موظف کردن» به کار رفته است (شهیدی، ۱۳۸۴: ۱۱۵) (امامی، ۱۳۸۲: ۱۶۸). همچنین تعهد در اصطلاح فقهی دارای دو معنای مصدری و اسمی است که عبارت است از: «تکلیف شخص به انجام عملی یا خودداری از انجام عملی» (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق: ۲۹۳) یا عهد بستن، به عهده گرفتن و ملتزم شدن که حقوق اسلامی در این معنا کاربرد بیشتری دارد (خمینی، ۱۳۸۵: ۳۲؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق: ۹۹). اما در اصطلاح حقوقی «تعهد» عبارت است از «یک رابطه حقوقی که به موجب آن شخص یا اشخاص معین نظر به اقتضاء عقد یا جرم یا شبه جرم یا به حکم قانون، ملزم

به دادن چیزی یا مکلف به فعلی یا ترک فعل معینی به نفع شخص یا اشخاص معین می‌شوند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴: ۱۶۶).

۳. کارگزاران

کارگزاران در زبان عربی معادل همان «عمّال» است به معنای «کسی که امور شخص را در مال، ملک و کار او به عهده گیرد و متولی آن باشد» به همین جهت مسئول دریافت زکات را «عامل» گفته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴۷۳/۱۱) و در زبان فارسی به معنای «انجام دهنده کار، عامل و مأمور است» (معین، ۱۳۷۷: ۳/ ۲۸۱۴). در معنای اصطلاحی کارگزار گفته می‌شود: «کارگزار دارای یک معنای عام است و به‌طور کلی به تمامی کسانی که در دفاتر دولتی و حکومتی فعالیت می‌کنند اطلاق می‌شود و به تعبیر دیگر، کارمند دولت است» (ذاکری، ۱۳۸۱: ۱۵). همچنین گفته شده است: «کارگزاران حکومت شامل دو گروهند، یکی حاکمان و دیگری واسطه میان حاکمان و مردم که همان مدیران اجرایی، نظامی و قضایی هستند» (شریفی و فائق، ۱۳۹۴). بنابراین مأموری که از سوی حاکم مسئولیتی را در امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یا نظامی عهده‌دار می‌شود و این مأموریت می‌تواند شامل سطحی کلان همچون ولایت و حاکمیت منطقه‌ای باشد یا در سطوحی پایین‌تر شامل فرماندهی جنگ، قضاوت، جمع‌آوری مالیات و ... پس مقصود از کارگزاران همان استانداران و فرمانداران هستند که از سوی حاکم تعیین می‌شوند و نمایندگان آنها به‌شمار می‌روند.

عوامل اعتلای حکومت اسلامی از منظر امیرالمؤمنین (ع)

اولین گام برای اجرای صحیح و همه‌جانبه احکام و قوانین اسلام، برپایی حکومت اسلامی است، اما این تنها شرط نیست؛ چرا که اگر حکومت در مسیر صحیح هدایت نشود یا گرفتار آفات گردد قطعاً در رسیدن به هدف خود موفق نخواهد بود. امام خمینی (ره) در خصوص ضرورت تشکیل حکومت اسلامی می‌فرماید: «احکام اسلامی اعم از قوانین اقتصادی، سیاسی و حقوقی تا روز قیامت لازم‌الاجرا است و هیچ یک از این احکام الهی از بین نرفته است. این بقا و دوام همیشگی احکام، نظامی را ایجاب می‌کند که اعتبار و صیانت احکام را تضمین کرده و عهده‌دار اجرای آنها شود. اجرای احکام الهی جز با برپایی حکومت امکانپذیر نیست. در غیر این صورت جامعه مسلماً به‌سوی هرج و مرج می‌رود و اختلال و بی‌نظمی بر همه امور مستولی می‌شود» (خمینی، ۱۳۸۵: ۱/۲). حضرت علی (ع) نیز در این مورد می‌فرماید: «وجود حاکم و زمامدار برای مردم ضروری است، چه خوب یا بد؛ تا در پناه فرماندهی و زمامداری او مؤمن بکوشد و عمل صالح انجام دهد و کافر از لذایذ دنیوی بهره‌مند شود تا آنگاه خداوند مدت او را به پایان برساند و به‌واسطه او مالیات گردآوری شود و دشمن سرکوب گردد. راهها ایمن شود، حق ناتوانان از زورمندان گرفته شود و نیکان بیاسایند و بدان فرصت آزردن دیگران را نیابند» (نهج البلاغه، خطبه ۴۰). در حقیقت از منظر حضرت (ع) هدف از برپایی حکومت اسلامی برپا ساختن نشانه‌های دینی در جامعه (ر.ک: خطبه ۱۳۱) است و حکومت کردن به مردم اصلاً هدف نیست، بلکه حفظ امانت الهی (ر.ک: نامه ۵) در رفع نیازهای محرومان و نیازمندان و خدمت به

آن‌هاست تا نظام اسلامی به بهترین وجه اداره شود که بدون شک حفظ و اعتلای آن در گرو وجود برخی عوامل است که حضرت (ع) علل پیشرفت امت اسلامی و نشانه‌های سقوط آن را این‌گونه بیان می‌کند: «دولت‌ها و جوامع زمانی به انحطاط و سقوط گرایش پیدا می‌کنند که اصول ارزش آنان از بین برود و نیرنگ به‌عنوان اصل ارزشی مورد قبول قرار گیرد، فرومایگان سمت‌ها را به عهده گیرند و کسانی که فاضل هستند منزوی شوند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۳۴۲). حضرت (ع) به طور کلی در نهج‌البلاغه ۳۵ عامل انحطاط و ۱۲ عامل را برای پیشرفت جامعه اسلامی معرفی می‌کند که می‌توان از جمله عوامل اعتلای حکومت اسلامی به این موارد اشاره کرد: وحدت و همدلی مردم (ر.ک: خطبه ۱۹۲)، برخورداری از رهبری آگاه، لایق و متعهد (ر.ک: خطبه ۱۰۸)، رعایت حقوق متقابل رهبران جامعه و مردم (ر.ک: خطبه‌های ۳۴، ۱۶۹، ۲۱۶)، پرهیز از اختلاف و تفرقه (ر.ک: خطبه‌های ۵، ۱۹۲)، امانتداری (ر.ک: خطبه‌های ۲۵، ۱۹۹)، سازندگی اجتماعی (به این معنی که تمام مردم باید در پیشرفت و ساختار جامعه سهیم باشند نه اینکه یک عده بسازند و عده‌ای استفاده کنند) (ر.ک: خطبه ۲۵)، آگاهی از نقشه‌های دشمن (ر.ک: خطبه ۶)، انجام مسئولیت‌های اجتماعی (ر.ک: خطبه ۱۶۷) که به نظر ما نقش کارگزاران متعهد در این قسمت پررنگ‌تر است، زیرا آنها کارمندان دولتند و مسئولیت‌های بیشتری را بر عهده دارند و غفلت از وظایفشان به منزله بی‌نظمی و کمرنگ شدن عدالت در جامعه و درنهایت فروپاشی حکومت اسلامی محسوب می‌شود، استقامت و پایداری جامعه (ر.ک: خطبه‌های ۱۷۶، ۱۹۲)، تدبیر در

حالات و احوال گذشتگان (ر.ک: خطبه ۱۹۲)، عبرت‌آموزی (ر.ک: خطبه ۱۹۲)، اصلاح‌گری (ر.ک: خطبه ۱۳۱).

شاخصه‌های گزینش کارگزاران در حکومت علوی

کارگزاران هر نظام سیاسی با توجه به مبانی فکری و نظری حاکم بر آن نظام دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی هستند. در حکومت اسلامی کارگزاران حکومتی باید از شاخصه‌هایی برخوردار باشند که با مبانی دینی اسلام همخوانی داشته باشد. از این‌رو نخستین اقدام حکومتی حضرت علی (ع)، جابجایی و عزل و نصب کارگزاران نظام و بررسی دقیق نقاط قوت و ضعف آنان بود (ناظم‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۴۵). ایشان همواره مردم را به مسئله کارگزاران توجه می‌دادند می‌فرمود: «بی‌گمان مردم هلاک شدند آنگاه که پیشوایان هدایت و پیشوایان کفر را یکسان شمردند و گفتند هر که به جای پیامبر نشست چه نیکوکار باشد چه بدکار، اطاعت او واجب است، پس سبب هلاک شدند» (مجلسی: ۱۴۰۳ ق: ۶۹ / ۸۲). به‌طور کلی می‌توان مهمترین ویژگی‌ها و شاخصه‌های کارگزاران از دیدگاه حضرت علی (ع) را چنین برشمرد:

۱. ایمان و تقوا

مهمترین عامل در گزینش کارگزاران تقواست. تقوا یک احساس دورنی و پرهیز از هر گونه امر خلاف است و به عبارت دیگر، حالت بازدارنده معنوی است که سبب می‌شود انسان از مسیر حق منحرف نگردد تا جایی که از عمل خلاف دوری کند و تنها خدا را حاضر و ناظر اعمال خود ببیند (موسوی‌زاده، ۱۳۸۲). حضرت علی (ع) در خصوص کارگزاران تأکید خاصی به رعایت تقوا دارند به‌گونه‌ای که می‌بینیم در اولین توصیه خود به مالک اشتر رعایت تقوای

را مقدم دانسته و می‌فرماید: «أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ...؛ افرادی باتقوا و متعهد به کار را انتخاب نما» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). به این ترتیب باید در گزینش کارگزاران بر حسب نوع مسئولیت آنان، ایمان و تقوایشان ملاک قرار گیرد؛ چرا که کارگزاری که تقوا ندارند در مقابل آن بخشی از مال و جان و ناموس مردم که تحت کنترل آنهاست متعهد نبوده و بیشتر به فکر و منافع شخصی‌شان هستند، تا جایی که حتی ممکن است به دلیل به خطر نیفتادن منافع‌شان دست به کارهایی بزنند که خیانت محسوب شده و حکومت اسلامی را تا مرز سقوط و انحطاط بکشانند؛ حال آنکه افراد متعهد و متقی هدفشان رضایت خداوند و خدمت به خلق است و در این مسیر از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند.

۲. اصالت خانوادگی

اصالت خانوادگی از منظر حضرت (ع) یکی از شاخصه‌های گزینش کارگزاران است؛ چنانکه افراد شایسته تصدی مسئولیت را مقید به اصالت خانوادگی در اسلام دانسته و در خصوص صلاحیت خانواده‌های آنان می‌فرماید: «ثُمَّ الصَّقِّ بِذَوِي الْمُرُوءَاتِ وَالْأَحْسَابِ، وَ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَالسَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ؛ سپس به سراغ کسانی برو که از خانواده‌های نجیب و باشخصیت و اهل خانه‌های شایسته و خوش سابقه‌اند» (همان، نامه ۵۳) و نیز می‌فرماید: «مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ، الْمُتَقَدِّمَةِ؛ از خاندان‌های شایسته برگزین که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند» (همان).

خانواده‌های اصیل دارای یک‌سری آداب و تربیت اخلاقی هستند که فرزندان آنها کمتر دچار لغزش و انحراف می‌شوند؛ از این‌رو اخلاق آنان

گرامی‌تر، آبرویشان محفوظ‌تر، طمع‌ورزشان کمتر و آینده‌نگری‌شان بیشتر است. بدون شک توجه به ریشه‌ها و اصالت افراد در گزینش کارگزاران، نتیجه‌اش انتخاب کارگزارانی متعهد خواهد بود که حکومت را در رسیدن به اهدافش یاری می‌کنند. لذا اگر به این نکته مهم تربیتی توجه نشود و افرادی که اصالت خانوادگی ندارند به پست‌های مهم دولتی راه یابند ضررهای جبران‌ناپذیری به حکومت و نظام اسلامی وارد خواهند کرد؛ زیرا آنان که در خانواده‌های پست، تنگ‌نظر و بد خلق تربیت شده‌اند، برخلاف افراد بافضلیت و تربیت شده در خانواده‌های اصیل و مؤمن، خواه ناخواه اگر مسئولیتی را بپذیرند، با کوتاه‌بینی و تنگ‌نظری با افراد تحت امر خود برخورد خواهند کرد و رفته رفته اساس نظام اسلامی را متزلزل خواهد ساخت.

۳. حسن شهرت و خوش‌نامی

حسن شهرت و سابقه نیک از دیگر شاخصه‌های مهم در به‌کارگیری کارگزاران دولتی است و حضرت (ع) در گزینش کارگزاران به این شاخصه توجه داشته و خطاب به مالک می‌فرماید: «إِنَّ شَرَّ وُزَرَائِكَ مَنْ كَانَ لِلْإِشْرَارِ قَبْلَكَ وَزِيْرًا، مَنْ شَرَكَهُمْ فِي الْإِثَامِ، فَلَا يَكُونَنَّ لَكَ بَطَانَةً، فَإِنَّهُمْ أَعْوَانُ الْأُثْمَةِ وَ إِخْوَانُ الظُّمَةِ؛ بدترین وزیران تو کسانی هستند که وزیر اشرار پیش از تو نیز بوده‌اند. کسی که با آنها در کارهایشان شرکت داشته است، نباید صاحب اسرار تو باشد. آنها همکاران حاکمان و برادران ستمکارانند» (همان). چنانکه حضرت (ع) اشاره می‌کند در حکومت اسلامی نباید مسئولیت‌ها به مهره‌های مؤثر و خطاکار رژیم گذشته واگذار شود؛ زیرا اعتبار یک حکومت با حضور چهره‌های امین مردمی بالا می‌رود و بهترین پشتوانه و دلگرمی یک مسئول متعهد، اعتماد

مردم به اوست، حال آنکه مردم به افرادی که سابقه درخشانی در گذشته ندارند اعتماد نخواهند داشت و وجود آنها سبب وهن حکومت اسلامی می‌شود. بنابراین افرادی که حسن سابقه آنها در اسلام بیش از دیگران باشد، و در کارها و مسائل دور اندیش‌ترند عمیق‌تر خواهند بود و شایستگی بیشتری در تصدی امور دارند. البته تنها حسن شهرت ملاک گزینش نیست، بلکه باید به افرادی که حسن سابقه دارند نظارت داشت تا از موازین الهی خارج نشوند؛ چنانکه حضرت (ع) در فراز دیگری از نامه ۵۳ علاوه بر سابقه نیک، بر خوش‌نامی کارگزاران نیز اشاره کرده و می‌فرماید: «أصحّ اعراضاً»؛ یعنی کارگزار نظام اسلامی باید خوش‌نام باشد؛ زیرا فرد بدنام می‌تواند موجب بدبینی نسبت به کل مجموعه گردد.

۴. تجربه لازم

تجربه کارگزاران مهمترین عوامل موفقیت در امور است. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «التَّوْفِيقُ حِفْظُ التَّجْرِیْهِ؛ حفظ و به‌کارگیری تجربه رمز پیروزی است» (همان، حکمت ۲۱۱). تجربه کارگزاران در عملکرد حکومت نقش بسیار مؤثری دارد؛ چنانکه حضرت (ع) در نامه به مالک اشتر، داشتن تجربه و تخصص را شرط لازم در به‌کارگیری کارگزاران دانسته و می‌فرماید: «کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و باحیا برگزین» (همان، نامه ۵۳). به اعتقاد آن حضرت (ع) عملکرد حکومت بهبود نمی‌یابد مگر اینکه کارگزاران حکومتی بر اساس تجربه و تخصص مناسب به‌کار گرفته شوند؛ چراکه اساساً میزان تجربه بر میزان قوت و پختگی تصمیم‌گیری و عملکرد درست و به موقع تأثیر بسزایی دارد؛ چنانکه می‌فرماید: رأی و اندیشه هر کس

به قدرت تجربه اوست (خوانساری، ۱۳۷۱: ۴/۹۵). از این رو به کارگیری کسانی که فاقد تجربه و تخصص لازمند، خطر جدی برای حکومت محسوب شده و در رویارویی با مشکلات و نابسامانی‌ها، نظام حکومتی را دچار تزلزل و آشفتگی نموده و جان و مال مردم را تباه خواهند ساخت.

۵. تعهد

تعهد یکی از برجسته‌ترین صلاحیت‌های اخلاقی در انتخاب کارگزار شایسته است؛ چنانکه حضرت (ع) در نخستین خطبه حکومتی‌اش درباره تعهد خویش در اداره امور می‌فرماید: «ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِيْنَةً وَاَنَا بِهِ زَعِيْمٌ؛ آنچه می‌گویم در عهده خویش می‌دانم و خود به آن پایبندم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶). طبق این فرمایش حضرت (ع) تعهد هم برای حاکم لازم است و هم برای کارگزاران؛ چرا که علاوه بر حاکم، وجود کارگزاران متعهد سبب پیشرفت حکومت اسلامی و عدم خیانت به جان و مال مردم خواهد بود. نظامی که برای انتخاب کارگزاران شاخصه‌های مناسبی را به کار نبندد، همواره گرفتار آزمون و خطا خواهد بود که فاجعه‌ای برای حکومت محسوب می‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۴۹۵)؛ چرا که حکومت برای به کارگیری نیروها هزینه صرف می‌کند و مردم نیز از مسئولان انتظاراتی دارند ولی همه اینها بدون داشتن کارآیی مثبتی تباه می‌شود. روشن است که در این مسیر ضررهای جبران‌ناپذیر دیگری نیز بر پیکره حکومت و جامعه وارد می‌شود و مردم به نظام و کارآیی حکومت اسلامی بی‌اعتماد می‌شوند و در این صورت نه تنها حکومت اسلامی پیشرفتی نخواهد داشت بلکه به تباهی و انحطاط خواهد گرایید. لذا بهترین راه دوری از چنین مشکلاتی در حکومت اسلامی، به کارگیری کارگزارانی

متعهد است که در چارچوب تعهد به‌درستی به وظایف خود عمل می‌کند و همین امر اسباب تقویت پایه‌های نظام حکومت اسلامی را فراهم می‌آورد و دیگر لازم به صرف هزینه‌های اضافی و گزاف نخواهد بود و می‌توان بودجه بیت‌المال را به راحتی صرف امور عمرانی و رسیدگی به محرومان و دیگر امور لازم جامعه نمود.

وظایف کارگزاران متعهد از منظر امام علی (ع)

از نظر کارشناسان سیاسی، تقویت و پایداری حکومت‌ها تا حد زیادی به میزان تعهدمداری کارگزاران بستگی دارد؛ زیرا تعهدمداری کارگزاران سبب نفوذ ایشان در میان آحاد جامعه و کسب اعتماد و استواری حکومت خواهد شد. در میان کارگزاران حضرت علی (ع) افرادی همچون مالک اشتر، محمد بن ابی بکر و عبدالله بن عباس بودند که از متعهدترین و موفق‌ترین کارگزاران دوران حکومت علوی به‌شمار می‌آمدند. حضرت (ع) با گوشزد کردن چند دستور اخلاقی به مالک اشتر، در حقیقت به وظایف اصلی کارگزاران اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که هر یک از کارگزارانی که خود را نسبت به حکومت و اسلام متعهد می‌داند، رعایت این اصول برایش لازم و ضروری است. این اصول عبارتند از:

- عمل به قرآن و سنت

از جمله شرایط اصلی کارگزاران حکومت اسلامی، التزام و تعهد به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) در انجام مسئولیت خطیر خویش است؛ حضرت علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «امرہ بتقوی الله و

إِيْتَارِ طَاعَتِهِ، وَ اتَّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ: مِنْ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ، الَّتِي لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا، لَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَ إِضَاعَتِهَا؛ او را به ترس از خدا فرمان می‌دهد و اینکه اطاعت خداوند را بر دیگر کارها مقدم دارد و آنچه در کتاب خدا آمده، از واجبات و سنت‌ها را پیروی کند، دستوراتی که جز با پیروی از آنها رستگار نخواهد شد و جز با نشناختن و ضایع کردن آن جنایتکار نخواهد شد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

معمولاً «فرائض» را به واجباتی که در قرآن آمده و «سنن» را به عمل به کلام و سیره حضرت رسول (ص) گفته‌اند. در تفسیر این دو واژه می‌توان گفت که فرائض اشاره به واجبات پراهمیت دارد و سنن اشاره به واجباتی که در درجه پس از آن قرار می‌گیرند و راه سعادت واقعی حکومت‌ها این است که به واجبات و سنن عمل کنند و از راههای دیگر که سبب گمراهی و شقاوت است دوری نمایند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۰ / ۳۶۷). با توجه به این مطالب باید گفت کارگزاران متعهد افرادی هستند که به جای به‌کارگیری شیوه و اصول حکومتی نادرست با پیروی از دستورات خداوند و پیامبر (ص) هم در حال خدمت‌رسانی به آحاد جامعه هستند و هم می‌کوشند تا ظلمی صورت نگیرد و حقی زایل نشود. اما لازمه این امر رعایت تقوای الهی است؛ زیرا ایمان به خدا و تسلیم در برابر او، چنان تعهد و الزامی در فرد ایجاد می‌کند که همواره خدا را حاضر و ناظر اعمال خود می‌بیند و از هر عمل خلافی دوری می‌جوید.

- نصرت دین خدا با همه توان

از دیگر فرمان‌های اساسی حضرت علی (ع) به کارگزاران خود یاری کردن خداوند با همه توان بود؛ چنانکه می‌فرماید: «وَ أَنْ يُنْصَرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ

لِسَانِهِ؛ فَإِنَّهُ، جَلَّ اسْمُهُ، قَدْ تَكَفَّلَ بِنَصْرِهِ، وَ إِعْزَازِ مَنْ أَعَزَّهُ؛ خدا را با دست و زبان یاری کن، زیرا خداوند پیروزی کسی را تضمین کند که او را یاری دهد و بزرگ دارد آن کس که او را بزرگ شمارد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

برخی از شارحان نهج البلاغه معتقدند «قلب» اشاره به اعتقادات، «ید» اشاره به جهاد با دشمن و «زبان» اشاره به امر به معروف و نهی از منکر دارد. ولی برخی دیگر معتقدند «قلب» صرفاً اشاره به اعتقادات ندارد، بلکه به معنای بیزاری درونی از زشتی‌ها و علاقمندی به اعمال نیک است و «ید» هم فقط به جهاد با دشمن اشاره ندارد بلکه شامل امر به معروف و نهی از منکر می‌شود؛ آنجا که احتیاج به اقدامات عملی و طبعاً وظیفه حکومت اسلامی است و در آخر، «زبان» نیز فقط اشاره به امر به معروف و نهی از منکر ندارد، بلکه شامل هر گونه تعلیم و تربیت صحیح می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۰ / ۳۶۶). پس لازم است کارگزاران از میان افراد متعهد انتخاب شوند؛ زیرا چنین افرادی در مقابل شهرت، پول، قدرت و اهرم‌های دنیوی توان ایستادگی دارند (کهن ترابی، ۱۳۹۴) و همواره مراقبند تا از مسیر صحیح خدمت به خلق خارج نشوند و رضایت حداکثری خداوند را جلب نمایند و حدود الهی را حاکم سازند.

- کنترل هوای نفس و تقوای پیشگی

نفس اماره یکی از ابزارهای مهم شیطان برای گمراهی انسان است و حضرت علی (ع) از کارگزاران می‌خواهد که از هوای نفس خود پیروی نکنند و به دام شیطان گرفتار نشوند: «وَ أَمْرُهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَ يَزَعَهَا عِنْدَ الْجَمَحَاتِ، فَإِنَّ النَّفْسَ أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ، إِلَّا مَا رَحِمَ اللَّهُ؛ به او فرمان می‌دهد که نفس

خود را از پیروی از آرزوها باز دارد و به هنگام سرگشی رامش کند چراکه همانا نفس همواره به بدی امید دارد جز آن که خدا رحمت آورد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

حضرت (ع) همین دستور را به هنگام نصب محمد بن ابی ابکر به ولایت مصر به او داشته و از او می‌خواهد که با هوای نفس خود مخالفت کند (همان، نامه ۲۷). مخالفت با نفس، لازمه تقواست و بدون آن، تقوا محقق نمی‌شود؛ چرا که نفس اماره گناه را در نظر انسان زیبا و خوبی را زشت جلوه می‌دهد و زمانی که انسان مرتکب گناهی شد و پرده‌ها کنار رفت، تازه عواقب گناه خود را مشاهده می‌کند که دیگر دیر است. پس اگر کارگزاران از شر هوای نفس و در نهایت شر شیطان رها شوند، به خوبی می‌توانند نقش مؤثری در اعتلای حکومت اسلامی داشته باشند؛ زیرا دیگر اسیر هوا و هوس، حرص و طمع، خشم و شهوت و دیگر رذایل اخلاقی نیستند و همواره رضایت خدا و خلق خدا را مد نظر دارند. چنین کارگزارانی انسان‌های متعهدی هستند که روح تقوا در ایشان آنان را به مبارزه با فساد وا می‌دارد و ضامن حکومت اسلامی خواهند بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۰/۵۶۷).

نقش کارگزاران متعهد در اعتلای حکومت اسلامی

کارگزاران لایق و متعهد یکی از ارکان حکومت محسوب می‌شوند و سلامت و صلاحیت آنها در اعتلای حکومت اسلامی نقش اساسی دارد. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «حاکم و کارگزار در مقابل مسئولیتی که بر عهده دارد، در برابر مردم مسئول و متعهد است» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۴۳۴). از این رو تنها در یک حالت می‌توان به پیشرفت و اعتلای حکومت

اسلامی امیدوار بود و آن هنگامی است که افرادی که به‌عنوان کارگزار به‌کار گرفته می‌شوند متعهد باشند تا تعهدمداری آنان به آثار سودمند زیر بیانجامد:

۱. بسط و گسترش عدالت اجتماعی

یکی از آثار حضور کارگزاران متعهد در حکومت اسلامی، برقراری عدالت و بسط و گسترش آن است و این مسئله به خوبی در تمام دوران حکومت علوی قابل مشاهده است. حضرت (ع) در این خصوص خطاب به مالک می‌فرماید: «ای مالک، انصاف و عدالت را بین خدا و مردم از یک‌سو، خود و نزدیکان و هر که هوای او را در سر داری از سوی دیگر مراعات کن» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

در واقع یک نظام حکومتی، نظامی اخلاقی است که باید تمام روابط و مناسبات آن بر اساس عدالت باشد. بر این مبناست که آن حضرت (ع) کارگزاران خود را همواره به عدالت فرامی‌خواند و از نظر ایشان رعایت عدل و انصاف کارگزاران متعهد در روابط و مناسبات حکومتی اصلی است که بدون آن، حکومت از صورت انسانی خارج شده و نتیجه‌ای جز فساد و تباهی نخواهد داشت؛ چرا که کارگزاران به سبب قدرت و اختیاراتی که دارند، همیشه در معرض سوءاستفاده از موقعیت خویشند و تنها کارگزاران متعهد می‌توانند از مسیر عدالت منحرف نشده و در سیاست‌گذاری‌های نظام حکومتی عدالت را بسط دهند (لنکرانی، ۱۳۸۶: ۹۲). از این‌رو هر حکومتی برای اینکه بتواند روی سعادت را ببیند و امورش اصلاح گردد باید از کارگزاران لایق و متعهد بهره‌گیرد؛ زیرا آنان رسیدگی به حال محرومان و احقاق حق را یکی از وظایف خود دانسته و سعی می‌کنند در جهت رفع تبعیض و بهبود حال توده مردم،

سیاست‌های اصولی و منطقی اتخاذ کنند و در راستای برقراری عدالت اجتماعی و بسط و گسترش آن گام‌های مؤثری بردارند و در نهایت بر این مبنای رابطه کارگزاران و کارکنان با مردم سامان می‌یابد و جامعه اسلامی به‌طور همدل رو به تکامل و سعادت‌مندی پیش خواهد رفت.

۲. نظم در امور

نظم از جمله اموری است که امام (ع) در وصیت‌نامه خود به آن اشاره نموده و آن را ملازم با تقوا دانسته و می‌فرماید: «أُصِيكُمَا ... بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمٍ أَمْرِكُمْ؛ شما را توصیه به تقوای الهی و نظم می‌کنم» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). برقراری نظم در امور حکومتی و سامان دادن به آنها از دیگر نقش‌های اصلی کارگزاران متعهد است. یک کارگزار متعهد از آنجایی که باتقوا و دلسوز و پیگیر است همواره در انجام امور با برنامه‌ریزی پیش می‌رود تا هم کارها به‌درستی پیش برود و هم از وارد آمدن خسارت‌ها و ضررهای احتمالی به حکومت جلوگیری کند. از این‌روست که حضرت (ع) مالک را به نظم دعوت کرده و می‌فرماید: «کار هر روز را در همان روز انجام بده چرا که هر روز کاری مخصوص خود دارد» (همان).

از طرفی دیگر، نظم داشتن در انجام امور فقط به‌معنای داشتن برنامه‌ریزی نیست، بلکه به‌معنای پیگیری امور و عدم کم‌کاری نیز هست؛ چرا که در نظام حکومتی، متوقف ساختن امور صالح و عام‌المنفعه از بزرگ‌ترین آفات محسوب می‌شود که جز با پیگیری کارگزاران قابل رفع نمی‌باشد. حضرت علی (ع) نیز خطر کارگزاران غافل و ناتوان را مدام گوشزد می‌کردند و از اینکه حکومت به دست افراد سست‌عنصر بیافتد، نگران بودند، لذا دائم به کارگزاران هشدار

می‌دادند و آنان را از کم‌کاری برحذر می‌داشتند؛ چنانکه در نامه‌ای به کمیل او را به خاطر ترک مقابله با لشکریان مهاجم شام نکوهش کرده و می‌فرماید: «پس از یاد خدا و درود! سستی انسان در انجام کارهایی که بر عهده اوست و پافشاری در کارهایی که از مسئولیت او خارج است، ناتوانی آشکار و اندیشه‌ای ویرانگر است. اقدام تو به تاراج مردم قرقیسا در مقابل ترک پاسداری از مرزهایی که تو را بر آن گمارده بودیم درحالی که کسی در آنجا نیست تا آنها را حفظ کند و سپاه دشمن را از آن مرزها دور سازد، اندیشه‌ای باطل است. تو در آنجا پلی شده‌ای که دشمنان تو از آن بگذرند و بر دوستانت هجوم آورند، نه قدرتی داری که با تو نبرد کنند و نه هیبتی داری که از تو بترسند و بگیرزند، نه مرزی را می‌توانی حفظ کنی و نه شوکت دشمنی را می‌توانی درهم بشکنی، نه نیازهای مردم دیارت را کفایت می‌کنی و نه امام خود را راضی نگه می‌داری» (همان، نامه ۶۱).

بنابراین رعایت نظم در امور برای کارگزاران متعهد به معنای پرهیز از هرگونه سستی و بی‌سامانی در کارها یا همان انضباط کاری است. چه بسا بسیاری از حکومت‌ها بودند که با زیر پا گذاشتن اصل انضباط کاری نسبت به امور حکومت و کارگزاران خود به تباهی کشیده شدند. در واقع یک مجموعه حکومتی که تواناترین مدیران و کارگزاران آن به اصل انضباط کاری خود متعهد نیستند، توفیقی کسب نخواهد کرد و فقط وقت و انرژی و دارایی خود را هدر خواهد داد. از این‌رو برای اعتلای حکومت اسلامی لازم است از

کارگزارانی متعهد و منظم استفاده شود، زیرا آنان به اصول کاری متعهد بوده و کمتر دچار غفلت‌زدگی می‌شوند.

۳. اصلاح امور حکومت و رفع نقایص اجرایی

اصلاح امور حکومت و برطرف کردن نقایص آن یکی از آرمان‌های حکومت اسلامی است که با بهرمندی از وجود کارگزاران متعهد محقق می‌شود. حضرت علی (ع) یکی از اهداف اصلی حکومت را در عهدنامه مالک اشتر اصلاحگری معرفی کرده و می‌فرماید: «تُمْ أَسْبِغُ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ، فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ عَلَيَّ اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ، وَ غِنَى لَهُمْ عَنِ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ، وَ حُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرُكَ أَوْ تَلَمَّوْا أَمَانَتَكَ؛ پس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی دست به مالی که در اختیار دارند نگشایند و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت ورزند» (همان، نامه ۵۳).

مراد از «اصلاح» هدایت اخلاقی مردم به سوی سعادت جمعی و رهنمون شدن آنها به پیروی از دستورات الهی و عقل و غلبه بر هوای نفس و شهوت است و جالب این است که امام (ع) این فرمان را هم در مورد کارگزاران و هم فرماندهان لشکر و قضات بیان کرده و دستور می‌دهد آنان را سیر کن؛ چرا که شکم گرسنه رو به اصلاح ایمان ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۰ / ۳۶۵).

همانطور که اشاره شد حضرت (ع) از مالک می‌خواهد تا روزی آنان را فراخ دارد، زیرا آدمی تا وقتی نیازمند باشد نمی‌تواند به اصلاح خود اقدام کند و کسی هم که نتواند خود را اصلاح نماید نمی‌تواند امور مردم و حکومت را اصلاح کند و غالباً حالت پرخاشگری دارد؛ چنانکه حضرت (ع) خطاب به

حارث همدانی می‌فرماید: «خشم خود را فرو نشان و به هنگام قدرت ببخش و به هنگام خشم فروتن باش و در حکومت مدارا کن تا آینده خوبی داشته باشی» (نهج البلاغه، نامه ۶۹). از طرفی دیگر، اگر حکومتی کارگزاری متعهد داشته باشد، در امانت خیانتی نخواهد شد و همین امانتداری سبب می‌شود که اعتماد در جامعه شکل گیرد و رفته رفته افزایش یابد. حضرت (ع) همواره از کارگزاران و کارکنان خود می‌خواست که کار و مسئولیت را امانت بدانند و در مناسبات و روابط خود امانتداری کنند؛ چنانکه خطاب به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان، می‌فرماید: «همانا این فرمانداری تو برای طعمه‌ای نیست، بلکه امانتی بر گردن تو می‌باشد و تو از جانب مافوق خود مأمور به رعایت آن هستی» (همان، نامه ۵). همچنین ایشان تعدی به امانت را بزرگترین خیانت به امت اسلامی دانسته و خطاب به فرماندار فیروزآباد می‌نویسد: «همانا خبری درباره تو به من رسیده که اگر درست باشد، پروردگارت را به خشم آورده‌ای و امانت را عصیان کرده‌ای و در امانت خیانت ورزیده‌ای» (همان، نامه ۴۰).

اگر در حکومت اسلامی از وجود کارگزاران متعهد استفاده شود، ایشان کار و مسئولیت را امانت می‌دانند و حرمت آن را پاس می‌دارند و می‌کوشند که به خوبی آن را پیش ببرند (اشتهاردی، ۱۳۷۵: ۴۸). بنابراین دیگر شاهد خیانتی نسبت به حکومت نخواهیم بود، زیرا دلیلی ولو ظاهری برای خیانت وجود نخواهد داشت.

پس با توجه به سخنان حضرت علی (ع) اگر کارگزاران نسبت به وظایف خود متعهد باشند، در ابتدا درصد اصلاح خود برخواهند آمد که از نتایج بارز

آن امانتداری و عدم خیانت نسبت به حکومت اسلامی و بیت‌المال خواهد بود و اعتماد عمومی قوام می‌یابد و شیرازه جامعه مستحکم می‌گردد و حوادث تلخ و مفسد ویرانگر به سراغ حکومت نخواهد آمد.

۴. حضور در میان مردم

حضور در میان مردم و لمس کردن مشکلات آنان به صورتی که میان کارگزاران و مردم حائلی نباشد، از دیگر نقش‌های اساسی کارگزاران متعهد در اعتلای حکومت اسلامی است؛ چرا که جدایی میان کارگزاران حکومت و مردم، آنان را از مسیر اصلی حکومت منحرف می‌سازد. حضرت علی (ع) نیز همواره کارگزاران حکومتی را نسبت به این آسیب مهم هشدار می‌داد و می‌فرمود: «فَلَا تَطَوَّنْ إِحْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ؛ هیچگاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). در طول تاریخ بسیار مشاهده شده که برخی از اطرافیان زمامداران عملاً آنها را محاصره کرده و اخباری را که موجب خوشنودی ایشان باشد را به آنان می‌رساندند که این واقعیتی خطرناک است؛ چرا که حکومت را با دو مشکل اساسی یعنی بی‌اطلاعی مردم از امور جامعه و بی‌اطلاعی کارگزاران نسبت به مردم مواجه می‌سازد. حضرت علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «پنهان بودن زمامداران از چشم رعایا نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه می‌باشد. نهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است، باز می‌دارد. پس کار بزرگ اندک و کار اندک بزرگ جلوه می‌کند، زیبا زشت و زشت زیبا می‌نماید و باطل به لباس حق درمی‌آید. همانا زمامدار آنچه را که مردم از او پوشیده می‌پندارند نمی‌داند و حق را نیز نشانه‌ای نباشد تا با آن راست از دروغ شناخته شود» (همان). از این‌رو کارگزاران زمانی می‌توانند به حکومت

اسلامی در راستای دستیابی به اهداف متعالی خود کمک کنند که خود را از مردم جدا ندانسته و بتوانند حق را از باطل تشخیص دهند و در اندازه‌گیری‌های حوادث نیز به خطا نروند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۰ / ۹۲). در واقع با رعایت اصل «عدم احتجاب»، رابطه کارگزاران و مردم اصلاح می‌شود و کار بزرگ کوچک و کم‌اهمیت شمرده نمی‌شود و برعکس، همچنین از رسیدن اخبار دروغ جلوگیری می‌شود، زیرا ممکن است کارگزاران زمانی از کذب بودن اخبار برخی اطرافیان خود باخبر شوند که دیگر شیرازه حکومت از هم پاشیده شده و این در حالی است که مردم چنین کارگزارانی را بی‌کفایت دانسته و نسبت به آنها ناراضی خواهند بود و همین اسباب ضعف حکومت و انحلال آن را فراهم خواهد آورد.

۵. اطاعت از رهبر

مطیع امر رهبر جامعه بودن یکی دیگر از نقش‌های اساسی کارگزاران متعهد در حکومت اسلامی است. از منظر حضرت علی (ع) اطاعت از امام یکی از حقوقی است که وی بر عهده رعیت دارد؛ چنانکه در نامه‌ای به فرماندهان سپاهش پس از یادآوری حقی که آنان بر گردن امام دارند می‌فرماید: «وَلِي عَلَيْكُمُ الطَّاعَةُ وَالْأَلَا تَتَكَبَّرُوا عَنْ دَعْوَةِ وَلَا تَفْرَطُوا فِي صَلَاحٍ وَأَنْ تَخَوْضُوا الْغَمْرَاتِ إِلَى الْحَقِّ فَإِنَّكُمْ لَمْ تَسْتَقِيمُوا لِي عَلَى ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ أَعْوَجَ ثُمَّ أَعْظَمَ لَهُ الْعُقُوبَةَ وَلَا يَجِدُ عِنْدِي فِيهَا رُخْصَةً؛ اطاعت من بر شما لازم است و اینکه از هیچ فرمانی سرپیچی نکنید و در هیچ امر شایسته‌ای کوتاهی نورزید و در راه حق، در سختی‌ها غوطه‌ور شوید. حال اگر شما برای این حقوق پایداری نکنید، هیچ کس نزد من خوارتر از هر یک از شما نیست که کج برود و او را

به سختی کیفر خواهم داد به گونه‌ای که گریزی از آن نزد من نمی‌یابد» (نهج البلاغه، نامه ۵۰). بنابراین در حکومت اسلامی کارگزاران متعهد نسبت به دستورات رهبر و امام خود متعهدند؛ زیرا در پرتو پیروی از فرامین رهبری است که امنیت و آزادی در جامعه حاکم می‌گردد و در غیر این صورت، اگر تعهد نداشته و بخواهند به صورت مستقل از امام و رهبر عمل کنند، امنیت و سلامت حکومت با خطرات بزرگی مواجه خواهد شد.

نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین عواملی که می‌تواند ضامن اعتلای حکومت اسلامی باشد وجود کارگزاران متعهد است؛ چرا که عملکرد و رفتار آنان تأثیر مستقیمی در حکومت اسلامی و ثبات آن دارد، به طوری که آنان با نهادینه کردن اصل تعهد در خود می‌توانند مانع بروز بسیاری از مشکلات و خطرات بزرگ در جامعه اسلامی شوند. حضرت علی (ع) نیز در حکومت علوی خود به این مهم داشت و همه تلاش و دقت ایشان در انتخاب کارگزاران لایق و متعهد بر این مبنا بود که بتواند حکومتی مبتنی بر قرآن و سنت نبوی و آموزه‌های اسلامی تشکیل دهد تا حق به درستی در جامعه آشکار گردد و حقوق افراد ضایع نشود. از این رو چنانکه اشاره شد با اشاره به عوامل اعتلای حکومت اسلامی و برشمردن شاخصه‌ها و وظایف کارگزاران متعهد، نقش‌های اساسی که حضرت (ع) (با توجه به نامه ۵۳ نهج البلاغه) برای کارگزاران متعهد برمی‌شمرد عبارتند از: گسترش و بسط عدالت اجتماعی، نظم در امور، اصلاح امور حکومت و رفع نقایص اجرایی، حضور در میان مردم و اطاعت از رهبر. شایسته است با الگوگیری از کلام و سیره حضرت علی (ع) که بهترین شیوه حکومت‌داری

است، در جهت پیشرفت و اعتلای هر چه بیشتر حکومت اسلامی گام برداریم و اجازه ندهیم که سوءاستفاده افراد بدخواه و سودجو پایه‌های حکومت اسلامی را تضعیف نموده و در نهایت به تباهی و سقوط بکشاند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن فارس، احمد بن حنبل، المعجم مقایس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالاسلام، ۱۴۱۴ق.
۵. اشتهااردی، محمدمهدی، بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی امامان (ع)، تهران: انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۶. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.
۷. بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی، ۱۴۱۹ق.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۹. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۹۲.
۱۰. -----، تسنیم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق تعهدات، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۴.
۱۲. حسینی مراغی، میر عبدالفتاح، العناوین الفقهیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۳. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران: موسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.

۱۴. خوانساری، جمال‌الدین محمد، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۵. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۹۷.
۱۶. دلشاد تهرانی، مصطفی، حکومت در نهج البلاغه، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۸۵.
۱۷. ذاکری، علی اکبر، اخلاق کارگزاران، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.
۱۸. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۲۰. شریفی، محمد؛ فائق، مجتبی، «آسیب‌شناسی خواص و رویکرد سیاسی کارگزاران حکومت نسبت به آنان از دیدگاه نهج البلاغه»، فصلنامه النهج، ش ۴۷، ۱۳۹۴.
۲۱. شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۴.
۲۲. صفری، سید احمد، «امام علی (ع) و کارگزاران»، پژوهش‌های نهج البلاغه، ش ۲۵ و ۲۶، ۱۳۸۸.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.
۲۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۴ق.
۲۵. علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ اصلاحات علوم سیاسی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات علوم خارجه، ۱۳۸۵.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.

۲۷. قلمداران، حیدرعلی، حکومت در اسلام، تهران: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۸۵.
۲۸. کهن ترابی، میثم، «نقش اصلاح ساختارهای مدیریت در عملکرد مطلوب کارگزاران از منظر نهج البلاغه»، فصلنامه النهج، ش ۴۷، ۱۳۹۴.
۲۹. لنکرانی، محمد فاضل، آیین کشورداری از دیدگاه امام علی(ع)، قم: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۳۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۱. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۳۲. مکارم شیرای، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین(ع)، قم: انتشارات علی بن ابی طالب، ج ۱۰، ۱۳۸۸.
۳۳. موسوی زاده، سیدحسین، «بررسی ویژگی‌های شخصیتی مدیران در سیره علوی»، همایش رفتارشناسی علوی در گستره مدیریت، تهران: دانشگاه شاهد، ۱۳۸۲.
۳۴. ناظم‌زاده خراسانی، سید اصغر، تجلی امامت تحلیلی از حکومت امیرالمؤمنین(ع)، قم: انتشارات الهادی، ۱۳۷۷.

